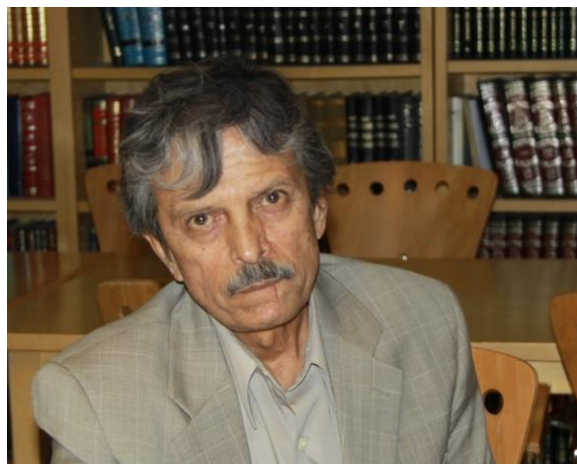


## تاریخ کشیکخانه اثری شاعرانه در تاریخ نگاری عصر صفوی



تاریخ کشیکخانه همایون تألیف نورالدین محشر شریف کاشانی متخلص به نجیب (۱۰۶۲ - ۱۱۲۳ ق.ه) اثری است که درباره رویدادها و وقایع ایام اقامت سلطان جلال الدین اکبر در اصفهان (۱۰۹۹ - ۱۱۰۷) به رشته تحریر درآمده است. این اثر به تصحیح و تحقیق دکتر اصغر دادبه و مهدی صدری از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شده است. آنچه در ادامه آمده است گفت و گو با استاد مهدی صدری یکی از مصححان این اثر است که پیشتر نیز آثاری به تصحیح ایشان از سوی مرکز منتشر شده است.

### به عنوان نخستین سوال درباره نسخه های کتاب تاریخ کشیکخانه صحبت بفرمایید؟

تاریخ کشیکخانه تألیف نجیب کاشانی، ملک الشعراء عصر صفوی در زمان شاه سلطان حسین صفوی است. نجیب کاشانی شاعر برجسته ای است که از نظر مضمون آفرینی و ذهن خلاق در سروده هایش شاعری بی بدیل است و این نشان دهنده کلیات طبع نجیب است. نجیب تنها یک شاعر نبوده و مطالعات گسترده ای در زمینه علوم دیگر داشته و از نحوه نگارش و نثر او می بینم آنچه که در تاریخ کشیکخانه همایون وجود دارد نثر یک مورخ نیست. مورخان نثری دارند که بیشتر به علم روز اختصاص دارد و فقط اتفاقات را با قلم خودشان در کاغذ نوشته اند. ترکیباتی که نجیب در سروده هایش استفاده کرده است مشابه آن چیزی است که در نثر چاشنی غزل دارد. نجیب فرد صاحب سبکی است که نثر آن شامل ترکیباتی می شود که از ذهن نویسنده و شاعر بیرون آمده. من تصمیم داشتم تاریخ کشیکخانه همایون را در دو جلد، در کنار کتاب کلیات در سال ۱۳۸۲ منتشر شود اما متأسفانه این اتفاق رخ نداد.

### نسخه ای که هم اکنون از کشیکخانه همایون منتشر شده است چگونه یافت شد؟

اصل این کتاب را مرحوم مهندس باقر آیت الله زاده شیرازی از کتابخانه کاخ گلستان در اختیار من گذاشتند. نجیب اثر منظوم دیگری با عنوان گلدسته نجیب در مثنوی بحر تقارب دارد که حوادث سالهای پایانی حکومت صفویه یعنی شاه سلطان حسین و شاه سلیمان را جمع آوری کرده است. نخستین کسی از این کتاب نام برده است مرحوم آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعه است. این کتاب از نظر حوادث پایانی صفویه بسیار مهم است. نجیب قبل از ۱۰۹۰ در دستگاه سلطان جلال الدین اکبر روزگار می گذرانده است. آن زمان سلطان جلال الدین اکبر بر ضد پدرش کودتا کرده است. نجیب بیتی سروده که ماده تاریخ آن در دیوان وی آمده

است: «ظهور دولت صاحبقرانی/ بود تاریخش اکبرشاه ثانی» که اکبرشاه ثانی، اکبر شاه دوم است. اکبر شاه اول پدربزرگ شاه جهان است. اورنگ زیب پسر شاه جهان است که از لشکریان پدر یعنی اورنگ‌زیب شکست می‌خورد. سلطان جلال‌الدین اکبر به ایران و دستگاه شاه سلطان سلیمان صفوی می‌آید و در اصفهان پناهنده می‌شود و با سه هزار افراد تحت امر، هشت سال در اصفهان می‌ماند. این تاریخ دارای مسائلی است که نجیب آن را به صورت منظوم و منثور بازگو می‌کند.

**از ابتدای سلطنت شاه سلیمان تا دوره شاه سلطان حسین تاریخ مستقلی نداریم، ظاهراً تاریخ کشیکخانه وقایع هشت سال آخر را نشان می‌دهد. تا چه اندازه از این دوره می‌توان اطلاعات تاریخی سودمند برداشت کرد؟**

۱۰۹۹ تا ۱۱۰۷ هشت سالی که در اینجا اقامت داشتند نکات برجسته سیاسی و ادبی به چشم می‌خورد. محمود و اشرف افغان جوانان همین دوره هستند. یکی از نکات جالب توجه در این کتاب تاریخ جزئیات کشیک‌هایی است که نجیب آن‌ها را ذکر کرده است. نجیب در هفته دو روز به دستور شاه سلطان حسین صفوی در خدمت سلطان جلال‌الدین اکبر بوده است و اتفاقات بسیاری را ثبت کرده است.

**موضوعاتی که در تاریخ کشیکخانه مطرح شده بیشتر شامل چه موضوعاتی می‌شود؟**

این مباحثات درباره نجوم، شعر و موضوعات دیگر بوده است. در این تاریخ درباره مسائل سیاسی و تاریخی صحبت می‌کردند و این چهل و هشت کشیک منتخبی از هشتصد کشیک است. دو سال از بیرون کردن سلطان جلال‌الدین اکبر از اصفهان، وحید قزوینی از نجیب در جلسه‌ای به پاس اخوانیاتی که دارد درخواست کرده که تاریخ کشیکخانه را تألیف کند. در تاریخ ذی‌القعدة سال ۱۱۰۹ (که تاریخ تألیف آن ۱۱۱۰) شده است. این هشتاد و یک روز دوسال بعد از رفتن سلطان جلال‌الدین اکبر است. نجیب در این کتاب نکات برجسته این ۴۸ کشیک را به قلم آورده است و کاتبی خوش‌نویس آن را کتابت کرده است. این نسخه در کتابخانه کاخ گلستان به همان خط نگهداری می‌شود.

**از نکات اجتماعی که نجیب در تاریخ کشیکخانه به آن اشاره کرده است برایمان بگویید؟**

نجیب در این کتاب وضع هدایای مختلف، غذاها و مجمعه‌ها را ذکر کرده است. یکی از نکات جالب توجه این است که نجیب در منزل و کاخ محل استقرار سلطان جلال‌الدین اکبر را قبل از طلوع آفتاب و مجمعه‌هایی که خوراکی‌های مختلفی در آن قرار می‌گرفته در این کتاب ذکر کرده است.

**نحوه کاربرد دایره واژگانی در این کتاب چگونه است؟**

نجیب در تاریخ کشیکخانه علاوه بر لغاتی که در زبان مرسوم بوده، لغات محلی کاشان را نیز اضافه کرده است. برای مثال لغت «تفاق» به معنای جمعی است که برای یک موضوع نتیجه واحد دارند؛ یا به عبارت دیگر «شور و مشورت». این کلمه در نثر نجیب آمده و نمایه تعبیرات و ترکیبات را که البته ۲۵۰۰ تعبیر و ترکیب است. یعنی خواننده زمانی که اثر را بررسی کند حال و هوای آن را متوجه خواهد شد.

**تاریخ کشیکخانه چه تفاوت و تشابهی با آثار هم عصر خود دارد؟**

این اثر در زمان صفویه منحصر به فرد بوده است. نوع مشابهی با این سبک نداریم. در متن وقایع را نجیب به قلم آورده است. نکات بسیار متنوعی در تاریخ کشیکخانه دیده می‌شود. نسخه منحصر بفرد این کتاب در کتابخانه کاخ گلستان است. بنده اولین فردی

بودم که زمانی از نسخه خطی عکس گرفته شد، به تصحیح آن پرداختم. به هرحال این کتاب بحث مربوط به واژگان را در اصل نمایه ترکیبات خود بازگو کرده است. در تاریخ کشیکخانه با ادبیات تاریخی آثار مواجه هستیم که بُعد ادبی و تاریخی را به هم پیوند داده و با زبان نظم و نثر بازگوکننده زمان بوده است. داستان‌های مربوط به جهانگیرشاه نکاتی را بیان می‌کند که در کتاب‌های دیگر نشانی از آن نیست. این داستان‌ها در این کتاب ذکر شده و متأسفانه استادان ما خبری از تاریخ کشیکخانه ندارند.

## و سخن پایانی

کار پناهندگی سلطان جلال‌الدین اکبر در سال ۱۱۰۷ ه.ق. پایان نمی‌یابد و به سبب ناآرامی‌هایی که وی با بیش از سه هزار افغانه تحت امر خود در اصفهان به وجود آورد شاه سلطان حسین مجبور گردید به اقامت این جمعیت کثیر در اصفهان پایتخت صفوی پایان دهد و سلطان جلال‌الدین اکبر را با افراد تحت امرش به مشهد مقدس کوچانید و همچنان تا پایان عمرش که سال ۱۱۲۰ ه.ق. است در این شهر به زندگی خود ادامه داد. پایان عمر سلطان جلال‌الدین اکبر را نمی‌توان مرگ طبیعی تصور کرد زیرا پدرش اورنگ‌زیب به سال ۱۱۱۹ هجری قمری در سن نود و دو سالگی در گذشت و ولیعهد وی سلطان اعظم به سلطنت هند رسید و بنا به رویه پادشاهان گورکانی هند هر یک که به سلطنت می‌رسیدند تمام برادران خود را به هر نحو ممکن از میان بر می‌داشتند تا مدعی سلطنتی وجود نداشته باشد از این رو این مسئله قوت پیدا می‌کند که افرادی را اعظم از هند برای از بین بردن برادرش سلطان جلال‌الدین اکبر به مشهد اعزام نموده باشد. از این رو دوران پناهندگی وی با اعوان و انصارش در دو شهر اصفهان و مشهد در ایران به بیست و یک سال می‌رسد و آشکار است چه هزینه هنگفتی را اعم از هدایا و هزینه‌های اقامتش بر بودجه کشور ایران وارد کرده است.

مرحوم دکتر محمد امین ریاحی در مقدمه کتاب تاریخ عالم آرای نادری درباره زندگی نادرشاه می‌گوید که دو قول در سال تولد نادرشاه مطرح است یکی سال ۱۰۹۰ ه.ق. و دیگر سال ۱۱۰۰ ه.ق.

از آنجا که نادرشاه در منطقه دره گز خراسان به دنیا آمده قبل از پادشاهیش از جزئیات اقامت سلطان جلال‌الدین اکبر در مشهد و اقامت سیزده ساله‌اش در این شهر از زیر و بم همه چیز آگاهی پیدا کرده است. بعد از مرگ سلطان جلال‌الدین اکبر جمعیت تحت امر وی یعنی افغانه قلزایی متفرق شدند که در بین این جمعیت محمود و اشرف افغان هم بوده‌اند که یازده سال بعد یعنی در ذیحجه ۱۱۲۱ همین افراد با افراد دیگر افغانی اصفهان را به محاصره در آوردند و در محرم ۱۱۲۲ ه.ق. وارد اصفهان شدند و حکومت صفویان سقوط کرد و سراینده‌ای در مصرعی بسیار شیوا و فصیح تاریخ محاصره و فتح را بدین عبارت گفته‌اند:

*زی‌حجه فغان بود و محرم افغان*

که «افغان» به حساب جمل برابر با سال ۱۱۲۲ ه.ق. است که فتح اصفهان است و «فغان» به حساب جمل برابر با سال ۱۱۲۱ ه.ق. تاریخ محاصره اصفهان می‌باشد.

نادرشاه این وقایع را کامل در نظر داشت تا اینکه با درایت و مدیریت و مسائل سپاهگیری و نظامی را که آموخته بود در صد برآمد ایران را از شر این تجاوز نجات دهد. نادرشاه با درایت خود اشرف افغان را فراری داد. در سال ۱۱۲۲ ه.ق. دستگاه سلطنت را استحکام بخشید و پس از تاجگذاری وی بود که در سال ۱۱۵۱ ه.ق. به هند لشکر کشید و هند را فتح نمود و غنائمی مانند کوه نور و دریای نور و تخت طاوس و جواهرات و غنائم دیگر را برای جبران هزینه‌های هنگفت اقامت بیست و یکساله سلطان جلال‌الدین اکبر که بر ایران تحمیل کرد جبران نمود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که نادرشاه برای غارتگری به هند لشکر نکشید بلکه برای جبران هزینه‌های پناهندگی سلطان جلال‌الدین اکبر بود.